



جایگاه مشاوران مدارس و موانع مشاوره: نقد کیفی

دکتر حسین کاویانی^۱

گروه روان‌پزشکی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

مریم نوری زاده

مؤسسه مطالعات علوم شناختی

مهرانگیز پورناصح

مرکز مشاوره چالش مهر

سیمین قدس میرحیدری

وزارت آموزش و پرورش

در این تحقیق، با کاربرد روش‌شناسی کیفی، تلاش شده است تا به نقد جایگاه مشاوران مدارس و موانع مشاوره روان‌شناختی پرداخته شود. شیوه دستیابی به انگاره‌های ذهنی مشاوران مدارس کار در گروه‌های متمرکز، بحث گروهی و ذهن‌انگیزی (بارش افکار) بود. یافته‌ها در چند محور طبقه‌بندی شدند: جایگاه کنونی مشاوران مدارس، نگرش مسئولان به مشاوران، نگرش دانش‌آموزان به مشاوران، نگرش مشاوران به خود و رشته خود، آمیختن نقش مشاور با نقش‌های دیگر، نگرش اجتماع و شیوه‌های ارتقای جایگاه مشاوران در مدارس. نتایج، این فرض را «که عدم شکل‌گیری ساختارهای ذهنی مناسب، باعث عملکرد معیوب مشاوره روان‌شناختی شده است»، تأیید می‌کند. تجزیه و تحلیل یافته‌ها، کاوش برای رسیدن به راه‌حل‌ها و پیشنهادها، است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

کارگزاران و نیز کاربران این نوع خدمات باشد. تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی، بررسی این عوامل را هدف قرار داد.

برنامه‌های مشاوره و راهنمایی مدارس، یکی از پیشرفت‌های آموزش و پرورش قرن پیشین است که از شاخص‌های مدنیت و اداره علمی جامعه به شمار می‌رود. مشاوره یک رابطه یاورانه دو نفری است که بر نیاز فرد به رشد، سازگاری، تصمیم‌گیری و حل مشکل تکیه دارد. (گیسون، ترجمه فارسی، ۱۳۷۳). به نظر بلکهام

فرض اساسی این تحقیق ناظر بر این انگاره است که «ساختار مشاوره روان‌شناختی، به دلیل عدم شکل‌گیری ساختارهای ذهنی لازم، دچار عملکرد معیوب است». به نظر می‌رسد که موانع موجود بر سر راه مشاوران در مدارس، ناشی از «نگاه مخدوش»

^۱ نشانی تماس: تهران، خیابان کارگر جنوبی، پایین‌تر از چهارراه لشگر،



مشاور از قبیل ایجاد تفاهم، همدلی، توجه به مراجع و ایجاد رابطه باز را مهمترین عامل کیفیت درمان می‌داند. (به نقل از پترسون و نیسن هولز، ۱۹۹۵).

شفیع آبادی (۱۳۷۰) با مطالعه روی ۱۹۰ دانشجو در مورد اینکه مشاور چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد، نشان داد که غیر از تمهد (۷۳ مورد)، علاقه به مشاوره (۶۱ مورد)، رازداری (۳۰ مورد) و نظم در کار (۱۸ مورد)، به نظر اکثر دانشجویان (۱۳۲ مورد) مشاور باید از اصول مشاوره آگاهی کامل داشته باشد و بر کار خود مسلط باشد. بدیهی است که مشاور باید در زمینه مشاوره، تجربه علمی و عملی داشته باشد. بررسی وضعیت مشاوران در مدارس، قبل و بعد از انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد که آنان بیش از مشاوره به امور دفتری و اداری پرداخته‌اند (احمدی، ۱۳۷۶؛ احمدی و باباگلی، ۱۳۷۴). بر اساس یافته‌های این تحقیق، ۲۴/۴ درصد از مشاوران نظام جدید آموزش متوسطه در نمونه مورد مطالعه، به کار دفتری پرداخته‌اند. اگر این فعالیت با فعالیت‌های اجرایی مشاوران جمع شود، حدود یک سوم فعالیت‌ها، فعالیت‌های غیر مشاوره‌ای بوده است.

در این تحقیق تلاش شده است تا با استفاده از روش کیفی به پرسش‌هایی پرداخته شود که پیرامون جایگاه مشاوران و امکان ارتقای سیستم آموزش و پرورش مطرح است. مؤلفان باور دارند که اگر تحقیق حاضر به طرح پرسش‌های جدیدتر نائل شود، دستاورد مهمی است.

روش

گروه متمرکز (focus group)

گروه متمرکز، شامل ۱۲ نفر از مشاوران مرد و زن یکی از نواحی آموزش و پرورش شهر تهران بود. یک روان‌شناس بالینی در طی دو جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (مجموعاً سه ساعت) اداره بحث‌های گروهی را به عهده داشت. پس از معرفی و آشناسازی اعضای گروه، روان‌شناس سؤالاتی (به عنوان سخنان راهنما یا cue) در زمینه‌های زیر طرح کرد:

- جایگاه و نقش مشاوران در مدارس
- ویژگی‌های مشاوره و تمایز آن با کار مربیان پرورشی

(نقل از گیسون، ترجمه فارسی، ۱۳۷۳) مشاوره رابطه‌ای است منحصر به فرد که در آن به مراجع فرصت یاد گرفتن، احساس کردن، فکر کردن، تجربه کردن و تغییر دادن به شیوه‌ای متناسب با خود، داده می‌شود (گیسون، ترجمه فارسی، ۱۳۷۳). با این تعریف از مفهوم مشاوره، یک مشاور به فرد دارای مشکل کمک می‌کند تا ضمن شناخت مسایل و مشکلات خود، راه‌حل‌های احتمالی مشکل را ارائه دهد و سرانجام به حل آن پردازد. مشاوره به دانش و مهارت‌های بسیاری نیازمند است.

بررسی‌ها در کشورهای غربی چند نقش کلی را برای مشاوران (به ویژه مشاوران مدرسه) مشخص می‌کنند که عبارت‌اند از: اطلاع‌رسانی و راهنمایی، حمایت، پیشگیری و ارتقای بهداشت روانی، کارهای اجرایی و دفتری، توانایی به کارگیری آزمون‌های روان‌شناختی، ایجاد یک شبکه محکم میان کارکنان مدرسه و سایر متخصصان مراکز خارج از مدرسه، والدین و دانش‌آموزان، حفظ اسرار مراجعان، ارجاع بموقع و مناسب، نظارت بر فعالیت‌های فوق برنامه، برقراری ارتباط مناسب و توأم با علاقه با والدین، مشاوره گروهی، ضبط و ثبت ارجاعات (Manitoba school counselor's association, (1997), Ministry of education, (2002).

تحقیقات ایرانی در زمینه شناسایی موانع و مشکلات مشاوره روان‌شناختی و نقش واقعی مشاوران معدود است. برخی تحقیقات نشان می‌دهد که مشاوران، تعریف روشن و مشترکی از حرفه خود ندارند که این موضوع به عملکردهای متفاوت و گاه متناقض آنها منجر می‌شود (احمدی، ۱۳۷۶).

جرج و کریستیانی (۱۹۹۰) وجود چند خصیصه را در کارآیی مشاوران ضروری می‌دانند که عبارت‌اند از: توانایی ایجاد رابطه صمیمانه و عمیق با دیگران، پذیرش خویش، آگاهی از ارزش‌ها و عقاید خود، پذیرش مسئولیت، داشتن تجربه و مهارت لازم، داشتن اهداف واقع بینانه.

شرترز و استون (۱۹۷۴) مشاوران کارآمد و غیر کارآمد را در زمینه تجربه، نوع رابطه و عوامل شخصیتی از یکدیگر تفکیک می‌کنند. از طرفی، داشتن حداقل درجه کارشناسی ارشد در رشته مشاوره از دیگر شرایطی است که در بسیاری از کشورها برای احراز شغل مشاوره ضروری می‌باشد. هرمن ویژگی‌های شخصیتی



الف) جایگاه کنونی مشاوران در مدارس

یکی از اهداف پرسش و بحث گروهی «جایگاه مشاوران در مدارس» بود. واکنش مشاوران چنین بود:

«چه آن موقع که در شهرستان کار می‌کردم و چه حالا که در تهران هستم، این تجربه را دارم که مشاور جایگاه مثبتی در مدرسه ندارد... و تا به حال هم با وجود جسارت و پشتکار، نتوانسته‌ام جایگاه مشاور را در مدرسه جا بیندازم... در این زمینه حتی با مسئولان هم درگیر شده‌ام. ۸۰ درصد مشاوران گیلان تلاش می‌کنند تا از این حرفه بیرون بیایند.»

«به طور کلی وضعیت و جایگاه مشاوران در تهران بهتر از شهرستان‌هاست. البته حرکت‌ها نشان می‌دهد که مشاوره دارد پا می‌گیرد.»

«نه کادر اداری ما را پذیرا هستند و نه دبیران. در واقع جایگاه ما معلوم نیست.»

«اشکال در جایگاه مشاوران در مدارس، به نگرش افراد به موضوع مشاوره و کار مشاور بر می‌گردد. تا این نگرش‌ها هست، موقعیت ما هم عوض نمی‌شود.»

«اداره، هیچ ابلاغ مشخصی برای مشاوران ندارد؛ این بدان معنی است که ما هنوز جایگاه مشخصی نداریم.»

ب) نگرش مسئولان به مشاوران

مشاوران در پاسخ به پرسش‌هایی درباره «نگرش مسئولان به مشاوره» چنین گفتند:

«جایگاه مشاور... به نگرش مدیر بر می‌گردد. اگر نگرش مدیر پذیرا و راحت باشد، نقش و جایگاه مشاور بهتر جا می‌افتد.»

«بعضی مدیران به مشاوره تحصیلی ارزش می‌دهند و برای آن جایگاه بهتری قائل هستند... به این ترتیب جایی برای مشاوره تربیتی و روانی باقی نمی‌ماند.»

«نگاه بعضی مسئولان به مشاور، تحقیرآمیز است و برخی، از ما با لفظ «مشاول» یاد می‌کنند.»

«یکی از مشکلات، دیدگاه مغرضانه و بسته بعضی از مدیران مدرسه به کار مشاوره است. این مدیران، مشاور را در یک چهارچوب غیر اصولی قرار می‌دهند و او را از اصول و اهداف اصلی دور می‌کنند.»

- تداخل مسایل اخلاقی و تربیتی با مشاوره تحصیلی و مشاوره روان‌شناسی

- شرایط اعتماد دانش‌آموزان به مشاور

- تمیز مشاوره از پند و اندرز و موعظه

- آگاهی دانش‌آموزان از نقش مشاور

- آگاهی مشاوران از نقش خود

- چگونگی ارتقای جایگاه مشاوران

کار آسان‌سازی مشارکت اعضا در بحث گروه، با شیوه ذهن‌انگیزی (brain storming)، انجام شد. به این ترتیب، اطلاعات بیشترین به بحث وارد می‌شد. بحث‌ها به وسیله ضبط صوت، ضبط گردید و بعداً مورد بازشنود قرار گرفت.

جمع‌آوری و جمع‌بندی یافته‌ها

بحث‌های ضبط شده روی نوار، به وسیله یک روان‌شناس (مستقل از روان‌شناسی که در گروه متمرکز حضور داشت) ثبت شد. سرانجام سه روان‌شناس به بازخوانی و مقوله‌بندی نهایی یافته‌های کیفی پرداختند. پاسخ‌ها و بحث‌های مطرح شده در جلسات گروه متمرکز، در قالب چند مقوله دسته‌بندی شد:

۱- جایگاه کنونی مشاوران در مدارس

۲- نگرش مسئولان به مشاوران

۳- نگرش دانش‌آموزان به مشاوران

۴- نگرش مشاوران به خود و رشته خود

۵- آمیختن نقش مشاور با نقش‌های دیگر

۶- نگرش اجتماع (مردم و نهادهای اجتماعی) به مشاور

۷- شیوه‌های ارتقای جایگاه مشاوران و مشاوران مدارس

نتایج

این تحقیق در چهارچوب یک طرح کیفی، با استفاده از ابزار «گروه متمرکز»، در پی روشن‌سازی جایگاه مشاوران مدارس و دستیابی به موانع رشد و ارتقای این جایگاه است.

مؤلفان کوشیده‌اند تا با شیوه‌های مرسوم در کار گروهی و تمرکز بر «تحلیل گفتمان (discourse analysis)»، به موشکافی بحث‌های گروهی مشاوران در گروه متمرکز بپردازند.



... پس اطمینان یا عدم اطمینان به عملکرد ما، به سال‌های قبل وابسته است.»

«در مدرسی که در ابتدای هر سال، در جلسه اولیا و مربیان و یا جلسات با دانش‌آموزان، نقش و هدف مشاوره گفته می‌شود، نگرش بچه‌ها مثبت‌تر از جاهای دیگر است و آنها بیشتر برای مشاوره مراجعه می‌کنند.»

«نظر دانش‌آموزان در مورد مشاوره بیشتر تحت تأثیر عملکرد قبلی ماست. وقتی ما با رعایت رازداری به بچه‌ها کمک می‌کنیم، معمولاً نگرش آنها کم‌کم مثبت می‌شود...»

د) نگرش مشاوران به خود و رشته خود

مشاوران در پاسخ به پرسش‌هایی که پیرامون نگرش آنها نسبت به خودشان و حرفه آنها پرسیده شد، چنین مطرح کردند: «جایگاه مشاوران بر اساس ذهنیتی که خودشان از این حرفه دارند، مشخص می‌شود. مشاوره که کار مشاوره را قبول ندارد یا در به کارگیری آن اعتماد به نفس ندارد، نمی‌تواند مشاور خوبی باشد و موقعیت مشاوره را دچار مشکل می‌کند.»

«بیشتر همکاران در رشته مشاوره، همان رویکرد مربیان تربیتی را به مسائل دارند.»

«بسیاری از مشاوران، تجربه فعالیت‌های پرورشی یا امور تربیتی را نداشته‌اند، ولی در مقام مشاور همان کارها را می‌کنند، حل مسائل چون طبق وظایفی که آموزش و پرورش، معین کرده است مسائل اخلاقی و تربیتی هم در دستور کار مشاوره قرار گرفته است.»

«نگرش غلط مشاور به مشاوره، باعث شده است که آنها بیشتر موعظه و پند و اندرز بدهند. در صورتی که یک مشاور خوب از تکنیک‌های مشاوره استفاده می‌کند. گاه خود مراجع چنین چیزی را القا می‌کند و می‌خواهد ما یک را حل بی‌نقص و مطمئن جلوی پایش بگذاریم.»

«مشاوران، خودشان به وظایفشان آشنا نیستند و همین مسئله، کار را خراب می‌کند و به اصل رشته صدمه می‌زند.»

«یک نگرش غلط در کار مشاوره پیدا شده است که نباید هر چه زودتر اصلاح شود و آن این است که متأسفانه، مشاوران

«فکر می‌کنم بینش و ذهنیت منفی و یا خستای مسئولان رده بالای آموزش و پرورش به حرفه مشاوره، یکی از مشکلات این حرفه باشد.»

«فعالیت‌ها و تلاش مشاور در مدرسه، تظاهر خاصی ندارد. ممکن است چندین ساعت در روز برای مشاوره با دانش‌آموزان بگذاریم... ولی چون جایی مطرح نمی‌شود، مدیر و همکاران دیگر خیال می‌کنند که ما بیکار هستیم، اما معلمی که بسته اوراق امتحانی زیر بغلش است، ممکن است نمود بیشتری داشته باشد.»

«عدم توجه مدیر مدرسه در مورد کار مشاوره باعث می‌شود که هر زمان مشاور را بیکار ببینند، کارهایی خارج از وظایف وی مثل اداره کلاس بدون معلم و... به او بدهد.»

«... در تصمیم‌گیری‌های مهم مدرسه در ارتباط با دانش‌آموزان، از مشاور نظرخواهی نمی‌شود...»

«دیدگاه مدیران از عواملی است که حتی بر دیدگاه دانش‌آموزان تأثیر می‌گذارد. مدیرانی که به هر دلیل، نگاه مثبتی به مشاور دارند، مشاور را تأیید و زمینه را آماده می‌کنند تا دانش‌آموزان او را بپذیرند. بر عکس، برخی از مدیران که به مسایل نگاه پلیسی دارند، بیشتر روی موارد انضباطی تأکید می‌کنند و می‌خواهند مشاور، دستورات آنها را سریع انجام دهد و برای به دست آوردن اطلاعات عمل می‌کند؛ در چنین شرایطی بچه‌ها از مشاور دور می‌شوند.»

ج) نگرش دانش‌آموزان به مشاوران

بحث درباره نگرش‌ها، به برداشت و انتظارات دانش‌آموزان از مشاور رسید. برخی نظرات چنین بود:

«دانش‌آموزان نقش مشاور را درست نمی‌شناسند و اطلاعات کافی در این زمینه به آنها داده نشده است. پس، مسلم است که ذهنیت‌های منفی قبلی آنها قویتر باشد.»

«معمولاً خود دانش‌آموزان به مشاور مراجعه نمی‌کنند و مراجعه به مشاور بیشتر به آنها توصیه یا تحمیل می‌شود.»

«انتقال تجربه دانش‌آموزان سال‌های بالاتر از عملکرد یک مشاور، تأثیر زیادی بر موضعگیری دانش‌آموزان سال پایینی دارد



کار مشاور بیشتر شده است، چون موظف است که هم مشاوره تحصیلی و هم مشاوره فردی را انجام دهد.»

«در تجربه به این نتیجه رسیده‌اند که این دو باید از هم تفکیک شوند و در حال حاضر عده‌ای از ابتدا با ابلاغ مشاور به مدارس فرستاده می‌شوند و وظایف مشخصی دارند و یک سری هم با حکم مربی تربیتی و با وظایف معلوم و مشخص وارد مدرسه می‌شوند.»

«بچه‌ها هنوز از نقش مشاوران آگاه نیستند و اطلاع‌رسانی کامل نیست. مثلاً گاهی بچه‌ها برای ثبت نام در اردوها به دفتر مشاوره مراجعه می‌کنند و وقتی ما می‌گوییم که ما امور تربیتی نیستیم، از ما می‌پرسند پس شما کی هستید؟ ... و تازه ما باید خودمان را معرفی کنیم.»

«وظایف مشاوران تعریف نشده است. در بعضی مدارس حتی چسباندن تراکت، پوستر، بروشور و پیام به عهده مشاور است. حجم کارها بسیار بالاست و نقش‌ها قاطی شده است.»

«در بسیاری از مدارس چنین نیست و این کارها به عهده مستخدم است.»

(و) نگرش اجتماع (مردم و نهادهای اجتماعی)

در فرآیند پرسش و پاسخ و بحث گروهی، مشاوران درباره اشکالات موجود در نگرش (یا نگرش‌های) اجتماعی، نظراتی دادند:

«جامعه از مشاوران انتظارات بالا و غیر واقع‌گرایانه دارد. مثلاً توقع دارند که یک مشاور در ظرف یک ساعت، یک فرد بی‌انگیزه و بی‌علاقه به تحصیل را به درس خواندن وادارد.»

«یکی از عوامل، تبلیغات منفی رسانه‌های عمومی است که مانع کار مشاوره می‌شود. در برخی از سریال‌های تلویزیونی، مشاور به گونه‌ای معرفی می‌شود که برداشت همه همان «مشاؤل» خواهد بود. در حالی که یک مشاور متعهد اصلاً به آن اعتقاد ندارد.»

«مشکلات کار مشاوران مدارس، مختص آموزش و پرورش نمی‌شود، بلکه این نگرش غلط و عملکردهای ضعیف به کل جامعه بر می‌گردد.»

اطلاعات مناسب و کافی ندارند و غیر حرفه‌ای برخورد می‌کنند و بیشتر پند و اندرز می‌دهند ... در صورتی که مریان امور پرورشی گرایش نصیحت‌گرایانه دارند ... روی این نگرش غلط باید کار کرد.»

ها) آمیختن نقش مشاور با سایر نقش‌ها

«ابتدا بهتر است شرح وظایف هر یک از این دو کار (مربی تربیتی و مشاور) روشن شود. به نظر می‌رسد، وظایف یک مربی تربیتی برنامه‌ریزی فرهنگی، هنری، تنظیم فوق برنامه‌ها، اردوها، قبول مسئولیت در هلال احمر، اداره فروشگاه یک مدرسه، آموزش و ... باشد. حال باید پرسید که آیا فردی با این همه مسئولیت چگونه می‌تواند کار حرفه‌ای و تخصصی مشاوره را انجام دهد و به مسایل روانی افراد بپردازد؟»

«یک مربی تربیتی با گذراندن دوره‌های تخصصی، می‌تواند مشاور خوبی هم باشد. ولی در کل، حجم هر یک از این کارها آنقدر زیاد است که یک نفر نمی‌تواند، به طور همزمان، یک مربی تربیتی متعهد و یک مشاور حرفه‌ای باشد.»

«بسیار مشکل‌آفرین است؛ چرا که مشاوران به خصوص در دبیرستان هم باید کارهای انتخاب رشته را انجام دهند، هم پرونده تشکیل دهند و ضمناً به مسایل روانی و تربیتی دانش‌آموزان همه بپردازند؛ حجم کار بسیار بسیار بالاست (به خصوص در مورد دانش‌آموزان سال اول دبیرستان) و این از توان یک مشاور خارج است و نمی‌تواند به همه آنها بپردازد.»

«بیشتر همکارانی که در حال حاضر کار مشاوره می‌کنند، همان عملکرد امور تربیتی را دارند و همان گرایش‌ها و تعصبات را دنبال می‌کنند.»

«بعضی از مشاوران قبلاً در رشته‌های دیگری تدریس می‌کرده‌اند و نمی‌توان گفت بیشتر آنها مسئول امور تربیتی بوده‌اند.»

«وضع مشاوران نسبت به پنج سال گذشته تغییراتی کرده است. قبلاً تداخل کار مربی تربیتی با مشاوره بیشتر بود و در مواقعی به امور تربیتی بهای بیشتری داده می‌شد. در حال حاضر، وظایف مشخصتر شده و وضعیت تعدیل یافته است، ولی حجم



تنهاست.»

«آموزش‌های ضمن خدمت بسیار مفید است و حتی گاه کارآمدتر از دروس دانشگاهی است، چرا که در آموزش ضمن خدمت موارد عینی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرند.»

«جدا کردن مشاوره‌های تحصیلی از مشاوره‌های فردی کار مشاوره را تخصصی‌تر و اثربخش‌تر می‌کند.»

«خود مشاوران می‌بایست تلاش کنند تا جایگاه خود را پیدا کنند و بهتر است در جلسات و یا در شوراها و ... درباره کار مشاوره توضیح دهند.»

«ارتقای سطح دانش، منجر به ارتقای مهارت‌ها می‌شود و به دنبال آن فرد می‌تواند با قدرت بیشتری عمل کند و در نتیجه نقش و جایگاه خود را بهتر به سایرین بشناساند.»

«به نظر من مشاوره تحصیلی را باید از کارهای تربیتی و روانی جدا کرد. حجم کار به نسبت تعداد مشاوران زیاد است.»

بحث

این تحقیق با استفاده از روش کیفی و در قالب جمع‌آوری اطلاعات، از طریق بحث در گروه‌های متمرکز (متشکل از مشاوران آموزش و پرورش)، کاوش در جایگاه مشاوره روان‌شناختی و مشاوران، موانع ارتقای این رشته و مسائل پیرامونی دیگر را هدف قرار داده است. همان‌گونه که بر پیشانی این مقاله ثبت است، به نظر می‌رسد که «ساختار مشاوره روان‌شناختی به دلیل عدم شکل‌گیری ساختارهای ذهنی لازم، دچار عملکرد معیوب است.» که اگر این انگاره درست باشد، پس شناسایی ابعاد مسئله ما را در حل آن یاری خواهد کرد.

هر چند شواهد دهه گذشته حاکی از آن است که مشاوره روان‌شناختی، به تدریج، حرکت بطنی رو به رشدی را در کل جامعه و به ویژه در آموزش و پرورش داشته است، لیکن یافته‌های این مطالعه گویای نقایص و اشکالات متعددی است که مشاوره روان‌شناختی را در جایگاه بهینه‌ای (optimal) قرار نمی‌دهد. به نظر می‌رسد چند عامل (نگرش مسئولان و دانش‌آموزان به مشاوره و نگرش خود مشاوران به حرفه خود) موجب پدیده‌ای شده است که می‌توان از آن به عنوان «سردرگمی نقش» نام برد. یافته‌های

«در آغاز سال تحصیلی، اولیای مدرسه برای دانش‌آموزان و اولیای آنها جلسه می‌گذارند و وظایف مشاور و سایرین را توضیح می‌دهند و دانش‌آموزان را از نقش مشاور آگاه می‌کنند، ولی در طول سال بعضی از دانش‌آموزان به مریبان تربیتی و سایر معلمان اعتماد پیدا می‌کنند و با آنها صمیمی می‌شوند و به طرح مشکلاتشان می‌پردازند و برخی هم به مشاوران مراجعه می‌کنند. در بعضی مواقع نیز خود مدیر و کارکنان، دانش‌آموزان را به مشاور ارجاع می‌دهند.»

«شرح وظایف و نقش‌ها در مدارس مشخص شده و فقط این مشاور است که باید چند سالی در یک مدرسه بماند تا موجودیت و عملکردش را تثبیت نماید.»

«مشاوران می‌بایستی در مقاطع مختلف تحصیلی همسو باشند تا دانش‌آموزی که از یک مقطع وارد مقطع دیگری می‌شود، ذهنیت اشتباهی در مورد عملکرد مشاور نداشته باشد و دقیقاً نقش وی را بداند.»

ز) شیوه‌های ارتقای جایگاه مشاوران در مدارس

گروه متمرکز، درباره چگونگی ارتقای جایگاه مشاوران هم نظرانی داده است:

«رازنگهداری مشاور و عدم درز مشکلات دانش‌آموزان به جاهای دیگر، کم‌کم، اطمینان دانش‌آموزان را جلب می‌کند. حتی وقتی یک مشاور می‌خواهد بنا به هر دلیلی اولیای یک دانش‌آموز را در جریان موضوعی قرار دهد، باید با رضایت دانش‌آموز باشد.»

«تناسب رشته تحصیلی با حرفه مشاوره بسیار مهم است.»
«سطح تحصیلات می‌تواند یکی از عوامل مهم باشد، اگر چه ممکن است همیشه و در مورد همگان صدق نکند، ولی به نظر می‌رسد بالاتر بودن میزان تحصیلات بر توانمندی‌های فرد تأثیر می‌گذارد.»

«تجربه‌های عملی و روحیه فعال همکاران، صرفاً، متأثر از تحصیلات دانشگاهی است.»

«بعضی افراد اطلاعات زیادی دارند، ولی در حیطه عمل ناتوان هستند. در واقع تلفیق دانش و تجربه مهمتر از دانش



مشاوره در مدارس است. در واقع، فردی که برای چند سال در یک حرفه کار کرده است، در موقعیت جدید نیز تمایل دارد که چون گذشته رفتار کند. این تمایل که تحت تأثیر «عادت»ها قرار دارد هنگامی مشکل‌زا می‌شود که رویکرد حرفه جدید با رویکرد حرفه قدیم کاملاً متفاوت باشد. چنین تمایلی در رفتار و رویکرد برخی از مشاوران که قبلاً مربی امور تربیتی یا پرورشی بوده‌اند، دیده می‌شود. از مسایل دیگر در این زمینه، غیر حرفه‌ای عمل کردن مشاوران مدارس است. اگر تکنیک‌های مشاوره روان‌شناختی جای خود را به پند و اندرز و موعظه بدهند، هم از اثربندی حرفه کاسته می‌شود و هم ارزش کار مشاور در دید مراجع افت می‌کند که به نوبه خود نگرش نامناسبی در محیط ایجاد می‌کند.

چنانچه بر این موانع، نگرش مخدوش جامعه به مشاوره روان‌شناختی و مشاوران را بیفزاییم، تصویر روشنتری از این معضل خواهیم داشت. عملکرد برخی از رسانه‌های همگانی در ارائه نقش مشاور در برنامه‌های خود، به این نگرش غلط دامن زده است. نتایج این تحقیق نیز با محدودیت‌های خاص خود روبه‌رو بوده بدون آنکه بخواهیم نتایج را بیش از قابلیت خود تعمیم بدهیم، یافته‌های حاصل از این تلاش پژوهشی، دست کم می‌تواند سؤالاتی را مطرح و توجه برنامه‌ریزان را جلب کند. این پیشنهادها شاید بتواند راه‌گشا باشند. با چند پیشنهاد این بحث را به پایان می‌بریم:

- ۱- تدوین برنامه‌ای آموزشی برای تغییر نگرش مسئولان، دانش‌آموزان و خود مشاوران به مشاوره روان‌شناختی، که بدون تردید استمرار و تکیه دراز مدت بر چنین برنامه‌ای می‌تواند آثار مثبتی در پی داشته باشد.
- ۲- ارائه تعاریف دقیق از مشاوره روان‌شناختی و حیطه آن، انشای آن در مقررات و آیین‌نامه‌ها و نیز ساختارسازی مناسب برای آن در سازمان‌های مربوط می‌تواند راه را برای رهایی از «سردرگمی نقش» مشاوران هموار سازد.
- ۳- معرفی درست مشاوران و نقش مشاور به دانش‌آموزان می‌تواند نگرش نامناسب آنها را اصلاح کند و به روی آوردن بیشتر آنها به خدمات مشاوره بینجامد.

کیفی این مطالعه وجود چنین پدیده‌ای را بین مشاوران تأیید می‌کند.

یافته‌های مطالعه حاضر گویای نگرش مخدوش مسئولان به امر مشاوره مشاوره روان‌شناختی در آموزش و پرورش است. هر چند نمی‌توان این نوع نگرش را به تمامی مسئولان تعمیم داد، اما اگر چنین نگاهی دست کم در مدیران رده پایین (و نه مدیران میانی و بالا) وجود داشته باشد، در واقع مانع مهمی بر سر راه رشد و اثرمندی مشاوره است. توجه به لفظ «مشاور» و تبدیل آن به تکیه کلام، هم از این نوع نگرش برمی‌خیزد و هم می‌تواند در دیگران چنین نگرشی را القا کند. باید توجه داشت که اگر گله‌مندی برخی مشاوران از نگاه پلیسی مدیران واقعیت داشته باشد، چگونه می‌توان انتظار داشت که نقش مشاور (که یک عامل حرفه‌ای بی‌طرف برای یاری رساندن به دانش‌آموز است) به درستی در بافت مدرسه شکل بگیرد.

نگرش دانش‌آموزان، که کاربران اصلی خدمات مشاوره در مدارس هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یافته‌ها گویای آن است که:

- ۱- دانش‌آموزان درباره خدمات مشاوره روان‌شناختی آگاهی کافی ندارند.
- ۲- دانش‌آموزان در مقابل مراجعه به مشاور، مقاومت می‌کنند.
- ۳- عدم اطمینان کافی به رازداری مشاور.
- ۴- در مدرسی که مشاور توانا کار کرده، نگرش دانش‌آموزان به مشاوره مثبت است. تغییر نگرش دانش‌آموزان، در زدودن موانع رشد مشاوره در مدارس نقش اساسی ایفا می‌کند.

به نظر می‌رسد مشاوران به دلایل مختلف، هنوز از نقش مشاور و مشاوره آگاهی کافی ندارند. همین موضوع احتمالاً به عدم اعتماد به نفس آنان در کارشان دامن می‌زند. یافته‌های این مطالعه، نشانگر اعتماد به نفس ضعیف مشاوران شرکت‌کننده در گروه‌ها بود. شغل‌های قبلی برخی از مشاوران (مثلاً مربی امور تربیتی یا پرورشی) از جمله موانع شکل‌گیری درست حرفه



نامناسب جامعه را از سر راه ارتقای جایگاه مشاوره روان‌شناختی بردارد.

۴- بازنگری رسانه‌های همگانی در ارائه نقش درست مشاور و ایجاد تولیدات نوشتاری، شنیداری، دیداری و برنامه‌های واقع‌تر در این زمینه می‌تواند مانع «ذهنیت

منابع

- احمدی، س.ا. (۱۳۷۶). *مقدمه‌ای بر مشاوره و روان‌درمانی*. چاپ ششم، انتشارات دانشگاه اصفهان.
- احمدی، س.ا. و باباگلی، ز. (۱۳۷۴). *بررسی نقش مشاوران در مدارس نظام جدید شهر اصفهان*. رساله کارشناسی مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- شفیع‌آبادی، ع. (۱۳۷۰). *مقدمات راهنمایی و مشاوره*. چاپ اول، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- گیسون و همکاران (۱۳۷۳). *مبانی مشاوره و راهنمایی*. (ترجمه باقر ثنایی و همکاران) تهران: چاپ نهضت.

George, R. L., & Cristiani, T. S. (1990). *Counseling theory and practice* (3rd ed.). Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Manitoba School counsellor' association, (1992). *Guidelines for Ethical behavior*. Available: <http://home.merlin.mb.ca/~msca/pages/ethicsframe.html?Navigation=ethics1.htm>

Ministry of education, (2002). *Special education services: A manual of policies, procedures and guidelines*. Available: <http://www.bced.gov.bc.ca/specialcd/ppandg/toc.htm>

Peterson, J.V., & Nisenholz, B. (1995). *Orientation to counseling*, (3rd ed.). Massachusetts: Allyn & Bacon Co.

Shertzer, B., & Stone, S. C. (1974). *Fundamentals of Counseling* (2nd ed.). Boston: Houghton Mifflin.

